

سیاستهای صنعتی هدفگذار با تاکید بر صنایع کارخانه‌ای

هدیه وجدانی طهرانی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

تعادل

سیاست صنعتی سیاستی است که به منظور ارتقاء کارایی و بهبود رشد بهره‌وری از صنایع، بخش‌ها و یا حتی بنگاه‌های ویژه‌ای در برابر سیگنالهای بازار، حمایت می‌نماید. با توجه به مراحل سیر تکامل اقتصادی (قبل از صنعتی شدن، صنعتی شدن و پس از صنعتی شدن (مبتنی بر دانش)، گذر از مرحله نخست (قبل از صنعتی شدن) مستلزم افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی به عنوان پایه و اساس فعالیت‌های اقتصادی است که این امر تنها با تکیه بر روش‌های جدید و استفاده از ماشین‌آلات صنایع کارخانه‌ای در این بخش امکان‌پذیر می‌گردد و بدین ترتیب سبب کاهش نیاز به کارگران و انتقال آنها به بخش صنعت می‌شود و با افزایش تولیدات صنعتی، این بخش به عنوان بخش پیشروی اقتصاد مورد توجه قرار می‌گیرد. با چنین توصیفی صنعتی شدن را می‌توان موتور محرکه جهش کشورهای صنعتی قلمداد نمود که به نوبه خود از پیدایش سریع و گسترده صنایع کارخانه‌ای حاصل شده‌اند و با توجه به هدف سیاست صنعتی که همانا بهبود بهره‌وری بخش صنعت به ویژه صنایع کارخانه‌ای به عنوان منبع اصلی رشد بهره‌وری است، اجرای سیاست‌های صنعتی اهمیت بسزایی می‌یابد.

سیاستهای صنعتی هدفگذار، صنایع کارخانه‌ای را به دلیل برخورداری از ویژگی‌های متعددی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی مورد توجه بیشتری قرار می‌دهند که برخی از مهمترین آنها به قرار ذیل‌اند:

- نتایج حاصله از یک بخش را از طریق ایجاد فرآیند بازدهی فزاینده به سایر بخش‌های اقتصادی تسری می‌دهند.

- به دلایل زیر بزرگترین جاذب نیروی کار محسوب می‌شوند:

- بهره‌وری بالاتر

○ دستمزدهای بالاتر

○ شرایط کاری بهتر

○ فرصت‌های بیشتر برای ارتقای مهارت‌ها و تخصص‌ها

○ ایجاد مشاغل برای زنان

- به‌لحاظ ایجاد تغییرات ساختاری ناشی از ارتقای تکنولوژی، تنوع‌سازی و تخصصی شدن، عامل اصلی رقابت‌پذیری جهانی محسوب می‌شوند؛
- در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، بیشترین سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه را انجام می‌دهند؛
- قابلیت‌های زیادی برای تولید نهاده‌های مولد (ماشین‌آلات و فرآورده‌های شیمیایی) دارند و از این طریق منجر به افزایش بهره‌وری در سایر بخش‌ها می‌گردند.
- منبع اصلی تقاضا برای فعالیتهایی با بهره‌وری بالا در سایر صنایع می‌باشند. بطوری که بیشتر فعالیت‌های خدماتی که بهره‌وری بالایی دارند و یا رشد بهره‌وری در آنها بالاست (نظیر خدمات مالی، حمل و نقل و تجاری)، خدماتی هستند که متقاضیان اصلی آنها بنگاه‌های صنایع کارخانه‌ای می‌باشند. اگرچه کشورها می‌توانند در چنین خدماتی، تخصصی شوند لیکن در رابطه با تعدادی از خدمات تولیدی نظیر (مهندسی، طراحی و مشاوره مدیریتی) قابلیت چنین خدماتی برای صادرات نمی‌تواند در بلندمدت بدون اتکا به یک بخش صنایع کارخانه‌ای قوی حفظ شود.
- نوآوری محصول در این صنایع به دلیل اثرات سرریزی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.
- با ایجاد تغییرات ساختاری به رشد و توسعه اقتصادی کشور و افزایش درآمد سرانه کمک می‌نمایند.

- استاندارد شدن تولید و نیز سازماندهی نیروی کار در این صنایع به مراتب راحت تر از سایر بخش ها می باشد.

- به دلیل ماهیتشان که خود به خود تمایل به یافتن روش هایی برای تولید کالاهای بیشتر با نیروی کار کمتری دارند به لحاظ تکنولوژیکی پیشروتر از سایر بخش ها می باشند و صنایع خاصی که از نرخ های رشد بهره وری بالاتری برخوردارند منجر به پیشرفت های تکنولوژیکی سریعتری می شوند.

- تولیدکننده محصولات فیزیکی و فاسدشدنی هستند که قابلیت تجاری بالاتری نسبت به محصولات کشاورزی و به ویژه خدمات دارند.

- ✓ در ارزیابی سیاست صنعتی هدفگذار، تعدادی از معیارهای مهم سیاستی از قبیل هماهنگی سرمایه گذاریهای مکمل، هماهنگی سرمایه گذاریهای رقابتی، سیاستهایی برای تضمین بازدهی به مقیاس (با تاکید بر صنایع نوزادی که از همان اوایل اقدام به صادرات می نمایند)، تنظیم مقررات بر واردات تکنولوژی و تنظیم مقررات بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی قابلیت اندازه گیری از طریق شاخص های کمی را ندارند؛ برخی صنایع نیز قابلیت رقابت پذیری در بازارهای جهانی را ندارند و بالاخره در برخی موارد، ساختارهای صنعتی کشوری مرتبط با هدفگذاری سایر دولتها نمی باشد بنابراین ضروری است به منظور تعیین صنایع کارخانه ای هدف، معیارهای خاصی از قبیل "ارزش افزوده سرانه بالاتر"، "صنایع مرتبط"، "رقابت پذیری در آینده"، "واکنش نسبت به دولتهای دیگر" و نیز شاخصهایی چون حکمرانی (کیفیت تنظیم گری مقررات، کنترل فساد و ...) مورد توجه قرار گیرند.

- ✓ در رابطه با تدوین و ارزیابی سیاست صنعتی ضروری است که اهداف سیاست صنعتی متناسب با توانایی ها و پتانسیل های تولیدکنندگان و درجه توسعه یافتگی کشور باشد. علاوه بر این،

اهداف سیاست صنعتی به ویژه تواناییهای تکنولوژیکی کشور مطابق با شرایط بازارهای جهانی، تعدیل شود. به بیانی دیگر، به موازات پیشرفت تکنولوژیکی کشور، سیاست صنعتی نیز به سمت سیاستهای مبتنی بر نوآوری و فناوری سوق داده شود.

با توجه به وجود بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس در صنایع کارخانه‌ای و ارتباط نرخ بازدهی سرمایه‌گذاریه‌های مختلف به یکدیگر، ضروری است که اجرای سیاست‌های صنعتی به گونه‌ای باشد که در بدو امر بهره‌وری در بخش صنایع کارخانه‌ای و نیز سایر بخشهای وابسته به آن را بهبود بخشد.